



تکاپو بود تا این که در شرکت خدماتی < پی پاک > که کار نظافت دانشگاه شهید بهشتی را بر عهده داشت مشغول به کار شد و نخستین روز کاری خود را با در دست گرفتن یک جارو و یک سطل آغاز کرد. سلیمی زاده خود می گوید « در ابتدا از کار کردن شرم داشتم و سعی می کردم خود را پنهان کنم، فکر می کردم دخترها و پسران دانشجویی به من می خندند و احساس حقارت می کردم. »

بنابراین پس از یک هفته کار به امید یافتن شغل دیگر، تهران را زیر پا گذاردم و سرانجام در یک شرکت تولیدی لباس مشغول به کار شدم، اما به دلیل ساعات طولانی کار پس از چند روز این شرکت را ترک کردم و درحالی که از دریچه ی دیگری به شرکت < پی پاک > می نگریستم با خود عهد بستم که به خاطر فضایی علمی دانشگاه دوباره به آن شرکت خدماتی بازگردم، این بار برایم مهم نبود که کسی مرا می بیند یا حتی به مسخره ام بگیرد.

سلیمی زاده که تحصیلات دوران راهنمایی اش را به طور متفرقه شروع کرده بود، در یک خانه ی نیمه ساخته در فرحزاد تهران در میان تمسخر و تعجب هم اتاقی ها مطالعات خود را انسجام بخشید و بدون آنکه تسلیم مشکلات شود با اراده و پشتکار تحصیلات دوران دبیرستان را در رشته ی ریاضی - فیزیک آغاز کرد و دیری نپایید که به عنوان نماینده ی ایران در المپیاد ریاضی به کشور سوئد اعزام شد و مقام اول المپیاد ریاضی را در بین دانش آموزان

## سرگذشت یک المپیادی

بعضی مواقع پشت دربسته ای آنقدر می ایستید که از دیدن درهای نا مسدود دیگر، باز می مانید.

«هن کلر»

آن روز که پسر لاغر اندام با چهره ای رنج کشیده، مدال نخستین نفر المپیاد جهانی ریاضی در استکهلم-سوئد را به گردن آویخت هیچ یک از رقبایش حتی به ذهنشان هم خطور نمی کرد که وی روزی رفتگر یک دانشگاه بوده و حتی یک ساعت هم سر کلاس درس دروان دبیرستان حاضر نشده است.

حجت الله سلیمی زاده

در سال 1349 خورشیدی

در روستای خمس

خلخال چشم به

جهان گشود، با از

دست دادن پدر تحت

سرپرستی مادر قرار

گرفت و در 7 سالگی

روانه مدرسه شد. او که

د راه مدرسه دچار حادثه

شده و از ناحیه کمر آسیب

دیده بود، در بیمارستان بستری

شد و پس از سه سال که بهبودی

کامل دست یافت، به دبستان

زادگاهش مراجعه کرد. برای

حضور در کلاس اول راهنمایی

مقررات تحصیلی « بزرگی سن »

مانع ادامه تحصیل وی در مدارس

روزانه شد. ضمن آنکه او باید

هم درمورد خود و هم خانواده ی

هفت نفری شان که تحت فشار

اقتصادی به سر می بردند،

تصمیم می گرفت. پس بار خود را

بست و روستا و خانواده خود را

به دلیل جستجوی کار در دیاری

پراز هیاهو و آشوب واگذار

و از این خیابان به آن خیابان

و از این شرکت به آن شرکت در



او می گوید: « این نوع زندگی برای ساختن نفس، بسیار مفید است و سبب می شود که همواره درد ورنج طبقات پایین را درک کنیم و در زنده نگهداشتن روحیه تلاش برای ساختن جامعه و کمک به محرومان از پای ننشینیم.»

روحیه شکست ناپذیری، ساده زیستی و بی پیرایگی، داشتن تکیه گاه اعتقادی عمیق سلیمی زاده، به همراه همدمی و کمک بی دریغ اساتید دانشکده ی شیمی دانشگاه شهید بهشتی از او فردی لایق و مفید ساخته است. فردی که احتمال نظافت چي ماندن او تا پایان عمر در مقایسه با پزشک شدنش بسیار بیش تر بود.

(برداشتی از نشریه داخلی شرکت  
تولپ پرس)  
بر گرفته از ماهنامه دانش و  
مردم

اگر کنجکاری روشنفکرانه علاقه به شأن حرفه ای و بلند پروازی  
مهمترین انگیزه های کار تحقیق باشند؛ شانس هیچ کس برای  
ارضای این انگیزه ها بیشتر از رضای دانان نیست.  
«گاد فرد هاردی»

سراسر جهان به خود اختصاص داد. او که دیگر موج مثبت زندگی اش جریان یافته بود، با تلاش و جدیت به تحصیل خود ادامه داد و در سال 74-1373 به عنوان نماینده ایران در المپیاد ریاضی به کانادا رهسپار کرد و مقام دوم جهانی را از آن خود کرد، تا این که در کنکور ریاضی - فیزیک به عنوان نفر اول در رشته ی الکترونیک دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد.

سلیمی زاده مثال بارزی از آن دسته افرادی است که مغلوب محیط و شرایط نمی شوند و به آن چه که هستند قانع نمی شوند. وی معتقد است:

« از لحاظ استعداد و هوش با بقیه ی مردم برابر است. بهره هوشی و استعداد تنها یک عامل مهم است و مهم پشتکار و بلند همتی است که حرف آخر را می زند.»

سلیمی زاده پس از یک ترم تحصیل موفقیت آمیز در دانشگاه شریف با معدل 19/97 به علت ضعیف بودن چشم و ریزش آب از چشمانش هنگام کار با دستگاههای الکترونیکی، رشته ی تحصیلی اش را تغییر می دهد و مشغول تحصیل در رشته ی پزشکی دانشگاه تهران می شود.

او مقاله های بسیاری در خصوص مسائل ریاضی نوشته و در حال حاضر علاوه بر تحصیل، هفته ای دو روز در دانشگاه الزهراي تهران ریاضی تدریس می کند و در قسمت انتشارات دانشگاه شهید بهشتی کار می کند.

وضعیت زندگی او هنوز تفاوتی با دوران گذشته ندارد و در بخش کارگران کوی دانشگاه اتاکی بسیار ساده و بی پیرایه دارد و در رستورانی در توچال کار می کند.